

The Necessity to Protect Unaccompanied Refugee Children Focusing on the Right to Family Reunification

(Type of Paper: Research Article)

Mehryar Dashab ^{1*}, Saeede Mokhtarzade ²

Abstract

The right to seek asylum recognized as a fundamental human right, encompasses international protection of people seeking asylum. Protection of children's right to asylum, particularly for unaccompanied minors (UAMs) who are at risk of several physical and psychological problems on the forced migration route, is one of the challenging issues. This paper attempts to answer this question that to what extent international refugee law and European refugee law are providing international protection for unaccompanied and separated refugee children? In this study, the rights of asylum-seeking children and particularly their right to family reunification have been examined according to international documents. Further, it deals with recent European Union instruments concerning legalization of protection of UAMs and affirmation of the family reunion right to represent the UAMs best interest principle. Children as the most vulnerable group of refugees are known to be half of the global refugee population, whom never has been included sufficiently in the International Refugee Law instruments. Thus, there is no comprehensive international binding instrument for their protection yet and there is no official definition for UAMs in binding international instruments. Therefore, legislating a comprehensive international convention about their protection is necessary.

Keywords

Family Reunification Right, European Refugee Law, Children Rights, Human Trafficking, Unaccompanied and Separated Children.

-
1. Assistant Prof., Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: mehryardashab@atu.ac.ir
 2. MA. in International Law, Faculty of Humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: June 24, 2019 - Accepted: October 20, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

لزوم حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه با تأکید بر حق

به هم پیوستن خانواده

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

مهریار داشاب^{۱*}، سعیده مختارزاده^۲

چکیده

حق پناهندگی به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر، دربردارنده حمایت‌های خاص بین‌المللی از افرادی است که در جست‌وجوی پناهندگی‌اند. رعایت این حق برای کودکان به‌ویژه کودکان بدون همراه که در معرض آسیب‌های متعدد جسمی و روانی در مسیر پناهندگی و مهاجرت اجباری هستند، با چالش‌های بسیاری روبه‌روست. این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش است که حقوق بین‌الملل و حقوق اروپایی پناهندگی تا چه حد حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه را تأمین می‌کند؟ در این پژوهش حقوق کودکان پناهجو و تبیین اهمیت حق به هم پیوستن خانواده با استناد به اسناد بین‌المللی بررسی شده است. همچنین توجه به این موضوع و حمایت از مصالح عالیة کودکان پناهجو در مصوبات اخیر اتحادیه اروپایی که جهت هنجارسازی در حوزه کودکان پناهجوی بدون همراه توسعه یافته است، بررسی می‌شود. براساس نتایج این پژوهش کودکان به‌عنوان گروه آسیب‌پذیری که نیمی از جمعیت پناهندگان جهان را تشکیل می‌دهند، به‌صورت شایسته و کافی در اسناد بین‌المللی حقوق پناهندگان مورد توجه قرار نگرفته‌اند و تعریفی از کودکان پناهجوی بدون همراه در اسناد الزام‌آور ارائه نشده است. بنابراین، تدوین معاهده بین‌المللی جامع و مستقل درباره حمایت از آنان ضروری است.

کلیدواژگان

حق به هم پیوستن خانواده، حقوق پناهندگی در اروپا، حقوق کودک، قاچاق انسان، کودکان پناهجوی جدا شده و بدون همراه.

۱. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).
Email: mehryardashab@atu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
Email: s.mokhtazade@gmail.com

مقدمه

امروزه عواملی مانند مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی، نابسامانی‌های اقتصادی، نقض‌های گسترده حقوق بشر، تغییرات اقلیمی و غیره، سبب ایجاد گروه‌های عظیمی از پناهجویان و مهاجران در سرتاسر جهان و آوارگی اجباری بیش از ۶۸ میلیون نفر شده است (UNHCR 1: 2017, Rep). در این شرایط شناسایی افرادی که به حمایت‌های بین‌المللی نیاز دارند، نسبت به گذشته پیچیده‌تر شده است. یکی از این پیچیدگی‌ها مربوط به وضعیت کودکان پناه‌جوست. اثبات ترس موجه از آزار ناشی از دلایل پنجانگانه ذکر شده در ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان^۱ در خصوص بسیاری از پرونده‌های پناهندگی کودکان به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، به‌خصوص در پرونده‌هایی که کودکان برای دستیابی به شرایط بهتر اقدام به مهاجرت دوم به‌سوی کشورهای توسعه‌یافته می‌کنند.

رویکرد حمایت از کودکان به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه آسیب‌پذیر پناهندگان که بیش از ۵۰ درصد جمعیت پناهندگان و آوارگان داخلی را در سرتاسر جهان تشکیل می‌دهند (UNHCR 3: 2017, Rep)، باید منطبق با نیازهای سنی آنان باشد. یکی دیگر از پیچیدگی‌های رعایت حقوق کودکان پناه‌جو، مسئله تعیین سن درست کودکان است. تعیین سن کودکان ۱۸-۱۵ سال که بیشترین تعداد این کودکان را تشکیل می‌دهند و اغلب فاقد مدارک هویتی و شناسایی معتبرند، دشوارتر است، زیرا افراد بالای ۱۸ سال نیز برای بهره‌مندی از حمایت‌های ویژه کودکان پناه‌جوی بدون همراه، از ارائه مدارک شناسایی خودداری کرده و سن خود را زیر ۱۸ سال اعلام می‌کنند. باید توجه داشت که کودکان، به‌ویژه کودکان جدانشده و بدون همراه^۲ به‌دلیل شرایط سنی و جسمی خود به‌طور مضاعف در معرض آسیب، قاچاق انسان و انواع خشونت‌ها هستند. بسیاری از کودکان بدون همراه که به اروپا پناهنده شده‌اند، در سال‌های اخیر ناپدید شده‌اند و به‌نظر می‌رسد این کودکان اصلی‌ترین هدف باندهای قاچاق انسان در اروپا هستند. بنابراین، یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه نداشتن اطلاع از آمار دقیق کودکان پناه‌جوی بدون همراه و جدانشده در مناطق مختلف جهان است. با وجود افزایش تعداد این کودکان در سال‌های اخیر به‌ویژه در منطقه اروپا، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ آغاز به اعلام آمار کودکان پناه‌جوی جدانشده و بدون همراه کرده است. براساس گزارش سالانه کمیساریا، ۴۵/۵۰۰ کودک در سال ۲۰۱۷، ۷۵/۰۰۰ کودک در سال ۲۰۱۶ و ۹۸/۴۰۰ کودک در سال ۲۰۱۵ درخواست پناهندگی خود را ثبت کرده‌اند. طبق اعلان این سازمان این آمار براساس گزارش‌هایی از اطلاعات ۶۷ کشور جهان

1. Convention relating to the Status of Refugees, July 28, 1951.

2. Unaccompanied and Separated Children (UAMs)

است و تنها نشان‌دهنده تعداد کودکانی است که به‌عنوان پناهنده ثبت‌نام کرده‌اند؛ بنابراین بی‌شک با آمار واقعی فاصله زیادی دارد (UNHCR Rep, 2017: 48).

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که حقوق بین‌الملل و حقوق اروپایی پناهندگی تا چه حد قواعد حمایت از کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه را فراهم می‌کند. بنابراین، در این نوشتار اسناد و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای مهم در خصوص حمایت از کودکان پناهجو با روشی توصیفی - تحلیلی بررسی خواهد شد. به این منظور، ابتدا تعریف، علل و شرایط پناهندگی کودکان در بخش اول، سپس در بخش دوم حمایت از حقوق این کودکان در اسناد بین‌المللی به‌ویژه برای پیشگیری و مقابله با قاچاق آنها بررسی خواهد شد. با توجه به اینکه از مهم‌ترین نیازهای کودکان پناهجو و پناهنده احترام به حق به هم پیوستن خانواده است، تلاش شده تا در بخش سوم توجه به این حق نیز در حقوق بین‌الملل و حقوق اروپایی پناهندگی بررسی شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، توجه ناکافی به مسائل و حمایت‌های مورد نیاز کودکان پناهجوی بدون همراه در حقوق بین‌الملل پناهندگان، سبب عدم پاسخ مناسب بسیاری دولت‌ها برای تضمین حقوق و مصالح عالیۀ کودک در مراحل مختلف پناهندگی آنها شده است. بنابراین، ضرورت پرداختن به موضوع کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه در شرایط کنونی که هزاران کودک در جست‌وجوی پناهندگی رهسپار کشورهای اروپایی شده‌اند، در شرایطی که پژوهش‌های زیادی در سطح بین‌المللی به این امر اختصاص نیافته و از طرفی کشور ما نیز با تعداد بسیار زیادی از این کودکان روبه‌روست، جهت اقتباس از تجربیات و نتایج مثبت به‌دست‌آمده روشن می‌شود.

تعاریف و اقسام پناهندگی کودکان

به‌علت اهمیت تمایز و شباهت‌های موجود میان افراد پناهجو، پناهنده، مهاجر اجباری، مهاجر اجباری غیرمتعارف و پناهجویان بی‌تابعیت در بررسی‌های علمی و قضایی موضوع پناهندگی، به‌نظر می‌رسد در ابتدای بحث لازم است به ارائه تعریف هر یک و بیان تفاوت‌های آنها به‌صورت خلاصه پرداخته شود.

۱. تفاوت پناهنده، پناهجو، بی‌تابعیت و مهاجر غیرمتعارف

طبق ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو درباره وضعیت پناهندگان که تاکنون مبنای شناسایی افراد پناهنده و حمایت‌های حقوقی از آنان است، «پناهندگی وضعیتی است که به یک فرد به‌علت

1. Family reunification – Family reunion
2. Refugee

ترس موجه از آزار و شکنجه ناشی از یکی از دلایل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی اعطا می‌شود تا در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر برد. اما پناهجو^۱ در پی دریافت وضعیت پناهندگی است و در خارج از مرزهای کشور متبوع خود به سر می‌برد. مادامی که درخواست پناهندگی وی توسط دولت مقصد در حال بررسی است، پناهنده تلقی نمی‌شود. دلیل اهمیت این تفاوت این است که بسیاری از افراد پناهجو اجازه اقامت در کشوری را که درخواست آنها در حال بررسی است، دارند و از برخی حمایت‌های موقت برخوردارند، اما به‌طور کامل از حمایت‌ها و حقوق پناهندگی برخوردار نیستند و در صورت دریافت پاسخ منفی باید آن کشور را ترک کنند.

در حال حاضر مهاجر غیرمتعارف^۲ به فردی اطلاق می‌شود که به دلایلی غیر از دلایل پنجگانه احصاشده در ماده ۱ کنوانسیون مزبور با روش‌های غیرقانونی و بدون مدارک لازم برای ورود و اقامت در کشورهای دیگر برای جست‌وجوی شرایط و زندگی بهتر وارد کشور دیگری می‌شود. این گروه اغلب شامل مهاجران اقتصادی - اجباری یا افرادی که به دلایلی مانند تغییرات آب‌وهوایی مجبور به ترک محل زندگی خود هستند، می‌شود.^۳

افراد بی‌تابعیت^۴ نیز افرادی هستند که براساس تعریف ارائه‌شده در ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۴ درباره وضعیت افراد بی‌تابعیت^۵ تحت قوانین هیچ دولتی یک تبعه محسوب نمی‌شود. در ادامه از عبارت کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه استفاده خواهد شد که ممکن است شامل کودکانی از یکی از این چهار تعریف مذکور باشد که از خانواده خود جدا شده یا بدون همراه هستند.

1. Asylum Seeker

2. Irregular migrant

۳. شایان توضیح است در سال‌های اخیر برخی پژوهشگران و فعالان حقوق پناهندگان تلاش کرده‌اند تا به‌منظور رعایت حقوق بشر افرادی که بدون مجوزهای قانونی با هدف پناهندگی یا مهاجرت وارد خاک کشور دیگری می‌شوند یا پس از ورود قانونی و اتمام تاریخ مدارک اقامتی معتبر در کشور ترانزیت یا مقصد باقی می‌مانند، به‌جای عنوان مهاجر «غیرقانونی» (illegal) برای افراد از واژه‌های مهاجر بدون مدرک (undocumented) یا مهاجر غیرمتعارف (خلاف قاعده) (irregular) استفاده کنند، زیرا اصولاً هیچ فردی غیرقانونی نیست و عمل او باید غیرقانونی تلقی شود. این اصطلاحات جایگزین اولین بار در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اقداماتی برای اطمینان از حقوق بشر و کرامت انسانی همه کارگران مهاجر در سال ۱۹۷۵ استفاده شد. براساس این رویکرد، در این مقاله نیز واژه مهاجران غیرمتعارف در خصوص افرادی با شرایط ذکر شده، استفاده می‌شود. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به تعریف واژگان ارائه‌شده در وبسایت سازمان بین‌المللی مهاجرت:

Last visited: 18/10/2018 , <https://www.iom.int/key-migration-terms>

4. Stateless Persons

5. Convention Relating to the Status of Stateless Persons, September 28, 1954.

۲. تعریف کودک مطابق کنوانسیون حقوق کودک و تعریف کودک پناهجوی

جداشده و بدون همراه

مطابق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، «هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌گردد، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتری قابل اعمال باشد». باید به این نکته توجه داشت که در هیچ‌یک از مواد این کنوانسیون به صراحت تعریفی دربارهٔ کودکان پناهنده و به طریق اولی دربارهٔ کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه نیز ارائه نشده است. به عبارت دیگر، تاکنون در معاهدات بین‌المللی الزام‌آور تعریف جامعی از کودکان بدون همراه و جداشده از خانواده ارائه نشده است. اما کمیتهٔ حقوق کودک سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ در تفسیر عام خود دربارهٔ رفتار با کودکان جداشده و بدون همراه تعریفی از این افراد به این شرح ارائه کرده است: «کودک بدون همراه کودکی (طبق تعریف ماده ۱ کنوانسیون) است که از والدین، یکی از والدین یا بستگانش جدا شده و تحت مراقبت هیچ فرد بزرگسالی که طبق قانون یا عرف مسئول نگهداری از او باشد، نیست» (UN Committee of the CRC, 2005: para. 7). مطابق تعریف دیگری در این سند تنها تفاوت کودک جداشده، در همراهی او توسط یکی از بستگان بزرگسال است.

تعریف مشابهی نیز در سال ۲۰۱۱ در بند L ماده ۲ «اصلاحیهٔ دستورالعمل شایستگی پناهندگی پارلمان و شورای اتحادیهٔ اروپا دربارهٔ صلاحیت تابعین کشورهای ثالث یا افراد بی‌تابعیت به‌عنوان ذی‌نفعان حمایت‌های بین‌المللی» ارائه شده است. طبق این تعریف هر فرد زیر ۱۸ سال - حتی بی‌تابعیت - که تحت مراقبت یک همراه بزرگسال مسئول نباشد، کودک بدون همراه است. این تعریف تفاوتی میان کودکی که از ابتدا بدون همراه بوده یا پس از رسیدن به اتحادیهٔ اروپا جدا شده است، قائل نیست.

بنابر تعاریف مذکور، نباید از واژهٔ کودکان یتیم به‌جای کودکان بدون همراه و جداشده استفاده کرد، زیرا زمانی می‌توان به کودکی لقب یتیم داد که مرگ هر دو والدین او تأیید شده باشد. در غیر این صورت استفاده از این لفظ تلاش برای ایجاد شرایط فرزندخواندگی وی را جایگزین تلاش برای یافتن اعضای خانوادهٔ کودک خواهد کرد (UNHCR Guidelines on (Determining the Best Interests of the Child, 2008:8).

1. The European Parliament and The Council Directive on standards for the qualification of third-country nationals or stateless persons as beneficiaries of international protection, for a uniform status for refugees or for persons eligible for subsidiary protection, and for the content of the protection granted (Recast) of 13 December 2011, Directive 2011/95/EU.

۳. مهم‌ترین عوامل و دلایل پناهندگی کودکان جداشده و بدون همراه

در خصوص انگیزه پناهندگی کودکان پناهجو باید گفت که دو دلیل عمده امنیتی (آزار و نقض حقوق بشر) و اجتماعی - اقتصادی (دستیابی به امکانات تحصیلی، زندگی و آینده بهتر) سبب می‌شود تا آنان در این مسیر قرار گیرند. به همین دلیل، مقصد اصلی این کودکان کشورهای عضو اتحادیه اروپاست (The European Migration Network, 2015: 8). این دلایل با آمارها و واقعیت موجود نیز سازگار است، به نحوی که طبق جدیدترین گزارش سال ۲۰۱۷ سازمان آمار اروپا، اغلب کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه که به اروپا رسیده‌اند، به ترتیب از کشورهایی مانند افغانستان، اریتره، گامبیا، گینه، پاکستان و سوریه هستند (در آمار سال‌های گذشته سوریه پس از افغانستان در رتبه دوم قرار داشت) که دارای مشکلات امنیتی‌اند یا نقض حقوق بشر در آنها گسترده است (Eurostat report, Asylum applicants considered to be unaccompanied minors, 2018: 4). در مواردی این کودکان دلایل دیگری را از جمله مشکلات شدید اقتصادی خانواده‌ها در شرایط بحرانی، خشونت خانگی، فرار از ازدواج اجباری کودکان و ناقص‌سازی جنسی زنان بیان کرده‌اند (Raidma, 2016: 4). این کودکان اگرچه تنها رهسپار مسیر خطرناک مهاجرت و پناهندگی شده‌اند، معمولاً به دلایلی از جمله پیوستن به یکی از اعضای خانواده، پیوستن به جامعه مهاجر که با آن دارای اشتراکات هستند و تسهیلات خاص و دلایل تحصیلی قصد رفتن به یک کشور خاص عضو اتحادیه اروپا را دارند. بنابراین، تلاش می‌کنند تا پیش از رسیدن به مقصد موردنظر خود برای پناهندگی ثبت‌نام نکنند. در بیشتر موارد، با وجود ترجیح و تلاش کودکان، آنان به کشور مطلوب نمی‌رسند، زیرا یا توسط نیروهای رسمی کشوری که در آن موقتاً اقامت دارند، یافته می‌شوند یا توسط قاچاق‌برهایی که مسیر و کشور مقصد را انتخاب می‌کنند، در کشور دیگری رها می‌شوند. آلمان و سوئد در سال‌های متوالی مطلوب‌ترین مقصد این کودکان بوده است. طبق آمارهای ارائه‌شده در سال ۲۰۱۷ آلمان ۵/۷۰۰ کودک پناهجوی جداشده و بدون همراه را پذیرفته است (UNHCR, UNICEF and IOM factsheet on Refugee and Migrant Children in Europe, 2017: 1).

حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه در پرتو اسناد بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل به‌دشواری می‌توان سندی بین‌المللی را یافت که به‌طور مشخص به موضوع حمایت از کودکان پناهجو پرداخته باشد. کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان مهم‌ترین معاهده الزام‌آور بین‌المللی برای حمایت از افراد پناهنده و پناهجوست؛ اما در هیچ‌یک از مفاد

این سند به طور مشخص به حمایت از کودکان پناهجو پرداخته نشده است. در کنوانسیون مذکور تنها به موضوع حفاظت از انسجام خانواده و دسترسی افراد به تحصیلات ابتدایی تأکید شده است که از آن رعایت حقوق کودکان استنباط می‌شود. در کنوانسیون حقوق کودک^۱ ۱۹۸۹ نیز اگرچه به صورت کلی حقوق کودکان پناهجو بیان شده است، ولی تعریفی از کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه ارائه نشده است.

۱. کنوانسیون حقوق کودک و حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه

کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۲۰ به کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه تحت عنوان «کودکانی که از محیط خانواده خود به طور موقت یا دائم محروم شده‌اند» اشاره می‌کند و اشعار می‌دارد: «این کودکان باید تحت حمایت و کمک خاص دولت‌ها قرار بگیرند. در این خصوص باید براساس قوانین ملی کشورها نسبت به تضمین مراقبت‌های جایگزین دیگری مانند سرپرستی، کفالت یا فرزندخواندگی اقدام گردد. در این خصوص باید به منافع عالی کودک نسبت به قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان او توجه گردد». همچنین طبق ماده ۲۲ دولت‌ها، «متعهد به فراهم آوردن حمایت مناسب، حقوق بشر و کمک‌های بشردوستانه از کودکانی که به دنبال پناهندگی هستند و کودکانی که قبلاً وضعیت پناهندگی دریافت کرده‌اند، هستند». این حمایت‌ها شامل همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به منظور ردیابی والدین کودکان و دیگر اعضای خانواده آنان و تلاش برای کسب اطلاعات لازم برای به هم پیوستن مجدد خانواده این کودکان است. در صورتی که موفق به یافتن والدین یا اعضای خانواده کودک نشوند، طبق مفاد ماده ۲۰ این کنوانسیون در خصوص کودکان اقدام می‌شود. از آنجا که در وضعیت خاص کودکان پناهجو برخورداری از حق حیات، آموزش و حمایت در برابر انواع خشونت بسیار مهم است، توجه به این حقوق در کنوانسیون حقوق کودک به اختصار بررسی می‌شود.

۱.۱. حق بر حیات، سلامت و رشد کودک پناهجو

دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک متعهد به حفظ حق حیات و رشد کودکان با رعایت منافع عالی کودک هستند (مختارزاده، ۱۳۹۴: ۱۷۴). مراقبت‌های بهداشتی و درمانی مهم‌ترین ملزومات این حق است که در ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۸۹ تبیین شده است. مطابق این ماده، «کشورهای متعاقد، باید تلاش کنند تا کودکان از «بالاترین استاندارد بهداشت» و «امکانات درمان بیماری» و «توانبخشی» بهره‌مند گردند». در ادامه از دولت‌ها می‌خواهد تا در راستای

1. The United Nations Convention on the Rights of the Child, November 20, 1989.

تضمین عدم محرومیت هیچ کودکی از خدمات بهداشتی تلاش کنند. بند ۲ ماده ۲۴ مواردی از جمله مراقبت‌های بارداری و مرگومیر نوزادان، خدمات درمانی، مقابله با سوء تغذیه و دسترسی به آب و غذای سالم و توجه به بهداشت محیط زیست را برجسته ساخته است.

مهاجرت‌های اجباری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی همه افراد اثر می‌گذارد. بررسی شرایط کودکان پناهجو نشان می‌دهد، وابستگی کودکان برای تأمین نیازهای جسمی، عاطفی و بی‌تجربگی در شرایط دشواری که در طول فرایند پرمخاطره پناهندگی تجربه می‌کنند، آنها را در معرض آسیب‌های متعددی قرار می‌دهد. شرایط نامساعد محیطی در سفرهای دریایی یا زمینی، سوء تغذیه و کمبود آب آشامیدنی سالم، ابتلا به انواع بیماری‌های مسری و غیرمسری به دلیل نداشتن سرپناه مناسب، توقف واکسیناسیون، دسترسی نداشتن به پزشک و دارو در کوتاه‌ترین زمان ممکن به‌ویژه برای کودکانی که در اردوگاه‌ها اقامت ندارند و موارد بسیار دیگری از عوامل تهدید سلامت جسمی و فیزیکی کودکان پناهجو هستند (Jahangiri et al., 2017: 5). سلامت روان این کودکان نیز تحت تأثیر عوامل بسیاری قبل از مهاجرت، در طول مسیر و حتی پس از رسیدن به مقصد قرار می‌گیرد که در خصوص کودکان پناهجوی بدون همراه آثار زیانبار مضاعف می‌شود. عواملی از جمله خشونت، فقر شدید، ترس از دست دادن اعضای خانواده، تهدید و ضرب و شتم توسط قاچاق‌برها، سوء استفاده جنسی، تفاوت زبانی، فرهنگی و تحصیلی برای ادغام اجتماعی در محیط جدید، تداوم اضطراب دریافت وضعیت پناهندگی و اجازه اقامت قانونی، نمونه‌هایی از مهم‌ترین مشکلاتی هستند که به بهداشت و سلامت روان کودکان پناهجو آسیب می‌زند (Jahangiri et al., 2017: Table.1). مطابق تحقیق مشترک دو دانشگاه در سوئد و نروژ در سال ۲۰۱۳، نرخ مشکلات سلامت روان در این کودکان در سال‌های اولیه پناهندگی بسیار زیاد است و اغلب آنها از افسردگی و اضطراب پس از بحران^۱ رنج می‌برند (Raidma, 2016: 9). بنابراین، مجدداً و با یاری گرفتن از ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک درمی‌یابیم که ضروری است حقوق سلامت و بهداشت جسم و روان مندرج در ماده ۲۴ و دیگر اسناد حقوق بشری، درباره کودکان پناهجو تضمین شود.

۱.۲. حق بر آموزش و شرایط ویژه کودک پناهجو

حق بر آموزش از حقوق بنیادین کودکان است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری از جمله ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۱۴ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی ۲۰۰۰ شناسایی شده است. امروزه اهمیت آموزش در دوره کودکی برای کسب مهارت‌های لازم زندگی، توانمندسازی و برخورداری از حداقل‌های رفاهی در بزرگسالی

1. Post – traumatic stress disorder

امری روشن است. حق بر آموزش از یک سو جزو حقوق فردی و از یک سو جزو حقوق اجتماعی دسته‌بندی می‌شود که مستلزم مداخله و برنامه‌ریزی دولت‌ها برای ایجاد امکانات آموزش اجباری و رایگان ابتدایی و در دسترس قرار دادن آموزش‌های پیشرفته‌تر است (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۲۶). به عبارتی دولت‌ها براساس اسناد بین‌المللی متعهد اصلی حق آموزش کودکان هستند (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). آیا این تعهد دولت‌ها تنها در خصوص تابعان خود لحاظ می‌شود؟ اگرچه در ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان به تعهد دولت‌ها نسبت به فراهم ساختن تعلیمات عمومی تحت عنوان تحصیلات ابتدایی برای پناهندگان و رفتار مشابه با اتباع خود تأکید شده، در خصوص تحصیلات غیرابتدایی فقط به «رفتاری تا سرحد امکان مساعد نسبت به پناهندگان» اشاره شده است. از بررسی این ماده در کنار ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک که طبق آن دولت‌ها موظف به ایجاد شرایط آموزش بر پایه فرصت‌های برابرند؛ همچنین بند «الف» آن که دربردارنده تعهد دولت‌ها به اقدام برای «اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدایی برای همگان» است، همچنین ماده ۲۲ که بیان‌کننده تضمین برخورداری کودکان پناهجو یا پناهنده همراه با والدین و خانواده یا بدون همراه از کلیه حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق کودک و دیگر اسناد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه است، چنین استنباط می‌شود که کودکان پناهجوی بدون همراه باید از حق آموزش در شرایط اقامت موقت در اردوگاه‌ها یا اقامت دائم برخوردار باشند؛ اما، در واقعیت بسیاری از کودکان پناهجو به دلایلی از جمله تفاوت فرهنگ و زبان، تبعیض، عبور از سن مناسب مدرسه، ظرفیت ناکافی مدارس در کشورهای ترانزیت یا مقصد به خدمات آموزشی دسترسی ندارند. براساس آمار ۲۰۱۷ کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، کودکان پناهنده دارای سن مناسب برای حضور در مدارس ۷/۴ میلیون از جمعیت ۲۵/۴ میلیون پناهنده در سرتاسر جهان را تشکیل می‌دهند. ۳۹ درصد این کودکان با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته به تحصیلات ابتدایی دسترسی ندارند. استمرار بحران پناهندگی و افزایش جمعیت پناهندگان سبب شده است که کودکان بیشتری از حق آموزش محروم شوند، چنانکه در یک سال، نیم میلیون بر جمعیت کودکان محروم از تحصیل افزوده شده است و در سال ۲۰۱۷ چهار میلیون کودک پناهجو به مدرسه و آموزش ابتدایی دسترسی نداشتند (UNHCR third annual education report, 2017: 4).

۳.۱. حق بر منع خشونت علیه کودک پناهجو

مسئله مهم دیگر در خصوص رعایت حقوق کودکان، جلوگیری از اعمال خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت علیه کودکان است. مواد ۱۹ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک به تعهد دولت‌ها در

زمینه پیشگیری و حمایت از کودکان در معرض یا قربانی همه اشکال خشونت‌های روانی، جسمی و جنسی اختصاص دارد. اگرچه زنان و کودکان هر دو در معرض آسیب و خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت‌اند، کودکان با توجه به ضعف ناشی از سن و شرایط جسمانی که توانایی محدودی در حفاظت از خود و ایستادگی در برابر خشونت دارند، به صورت مضاعف در معرض اشکال خاصی از خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت و نیازمند توجهات خاصی‌اند (مصفا و مختارزاده، ۱۳۹۵: ۳۱). قاچاق انسان، فحشای کودکان، سوء استفاده و خشونت توسط شخصی که در خفا به کودکان دسترسی دارد، از انواع اشکال خاص این خشونت‌ها علیه کودکان هستند. به‌طور حتم، کودکانی که طی بحران‌ها از حمایت والدین یا بستگان خود محروم‌اند، از این نظر آسیب‌پذیرترند. باید توجه داشت آمار دقیقی از کودکان ناپدیدشده در جهان وجود ندارد، اما براساس آمارهای ارائه‌شده توسط دولت‌های اروپایی و برخی سازمان‌ها از جمله نجات کودکان، طی یک سال حدود ۱۰ هزار کودک در اروپا ناپدید شده‌اند (Raidma, 2016: 7). اگرچه اطلاع دقیقی از وضعیت آنها در دست نیست، می‌توان گفت طبق گزارش‌های سازمان‌های فعال در اتحادیه اروپا، این کودکان به‌دلیل آسیب‌پذیری و شرایط سنی توسط گروه‌ها و سازمان‌های تبهکاری در بازار کار سیاه مورد بهره‌کشی به‌ویژه بهره‌کشی جنسی قرار می‌گیرند. به‌طور کل کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه به‌دلیل سن کم، ورود غیرقانونی به اتحادیه اروپا، ناآگاهی از نحوه دریافت کمک‌های موجود برای پناهجویان و ندانستن زبان کشورهای ترانزیت یا مقصد در معرض انواع خشونت، آسیب و سوء استفاده هستند. آنها معمولاً به افراد بزرگسال اعتماد کرده و وابسته می‌شوند و حتی در داخل کمپ‌های پناهندگی توسط این افراد مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند (Digidiki & Bhabha, 2017: 19).

از اقدامات حمایتی کمیساریا برای حمایت از کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه که در معرض آسیب یا قربانیان خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت‌اند، می‌توان به همکاری با سازمان یونیسف برای اخذ مدارک هویتی برای کودکان، ثبت ازدواج آنها در صورت انجام ازدواج، ایجاد امکان تحصیل و باز پیوستن به خانواده نام برد (UNHCR Handbook for the Protection of Women and Girls, 2008: 123).

۲. حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه در مقابل قاچاق انسان

به‌طور کلی عوامل متعدد اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و حقوقی زمینه‌ساز وقوع جرم قاچاق انسان و تداوم آن است (نگهی مخلص‌آبادی، ۱۳۹۱: ۹۲). مطابق اعلام دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در سند کاربردی مبارزه با قاچاق انسان، عوامل رانشی از جمله فقر،

ظلم، نظامی‌گری، فقدان فرصت‌های مناسب اجتماعی و اقتصادی، فقدان حقوق بشر، مخاصمات مسلحانه داخلی و جنگ‌ها، ناامنی ناشی از شرایط بی‌ثبات، ناآرامی مدنی و اجتماعی و بحران‌های طبیعی که سبب خروج و مهاجرت افراد از کشورها در جست‌وجوی شرایط و زندگی بهتر می‌شود، به افزایش قاچاق انسان منجر می‌شود (UNODC Toolkit, 2003: 454). بنابراین ارتباط میان مهاجرت و قاچاق انسان روشن می‌شود. دلایل رانشی و از طرف دیگر عوامل کششی مهاجرت مانند امید به دستیابی به زندگی با فقر کمتر و اشتغال موجب می‌شود مهاجران غیرمترعارف و پناهجویان وارد محیط ناشناخته شوند و با احتمال بیشتری در مسیر یا کشور مقصد در دام باندهای قاچاق انسان گرفتار شوند. این خطر به مراتب برای کودکانی که بدون همراه و جدا شده از خانواده خود هستند، شدیدتر است. متأسفانه، به دلیل اینکه اغلب این کودکان پیش از ثبت‌نام و شناسایی توسط دولت‌ها، قربانی قاچاق انسان می‌شوند، آمار رسمی از تعداد کودکان پناهجوی بدون همراه قربانی قاچاق انسان وجود ندارد. در ادامه با مطالعه اجمالی کنوانسیون پالمو و پروتکل‌های الحاقی و همچنین کنوانسیون حقوق کودک امکان حمایت از کودکان در مقابل قاچاق انسان بررسی می‌شود.

۱.۲. بررسی کنوانسیون پالمو و پروتکل‌های الحاقی

قاچاق انسان یا برده‌داری نوین از پرسودترین تجارت‌هاست که در همه مناطق جهان اتفاق می‌افتد و بیشترین قربانیان آن کودکان و زنان هستند (احمدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵). «کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی» معروف به کنوانسیون پالمو مهم‌ترین و معتبرترین سند بین‌المللی مقابله با قاچاق انسان است. این کنوانسیون دارای سه پروتکل الحاقی است که پروتکل‌های «پیشگیری، مقابله و مجازات قاچاق انسان، به‌ویژه زنان و کودکان»^۱ و «پروتکل علیه قاچاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا»^۲ به‌طور مشخص به حمایت از قربانیان قاچاق انسان پرداخته‌اند.

اولین و مقبول‌ترین تعریفی که از پدیده قاچاق انسان در بند (a) ماده ۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو درباره پیشگیری، مقابله و مجازات قاچاق انسان، به‌ویژه زنان و کودکان در سال ۲۰۰۰ ارائه شد، به این شرح است: «قاچاق انسان عبارت است از به‌کارگیری، حمل‌ونقل، انتقال، مخفی کردن یا دریافت افراد، به‌منظور تهدید یا استفاده از زور یا هر شکلی از اجبار، ربودن، فریب دادن، اغفال کردن، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری، پرداخت یا گرفتن پول برای به‌دست آوردن رضایت فردی که بر فرد دیگری کنترل دارد، به‌منظور

1. The United Nations Convention against Transnational Organized Crime, November 15, 2000.
2. Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, December 12, 2000.
3. Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, December 12, 2000.

بهره‌کشی. بهره‌کشی باید حداقل شامل یکی از موارد بهره‌کشی فحشا یا هر شکل دیگری از بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا رفتارهایی مشابه بردگی، بردگی موقت و برداشتن اعضای بدن باشد». بند (c) این ماده تأکید می‌کند که اگر به‌کارگیری، ربودن، نگهداری، انتقال در مورد یک کودک باشد، دیگر توجه به عنصر عدم رضایت یا اجبار بزه‌دیده اهمیت ندارد و مشمول تعریف قاچاق انسان می‌شود. در مفاد متعددی از این پروتکل ذکر شده که کودکان به‌طور خاص آسیب‌پذیر و نیازمند توجه ویژه هستند؛ به همین دلیل این سند شرایط سهل‌تری را برای شناسایی کودکان به‌عنوان قربانیان قاچاق انسان و حمایت از آنان فراهم کرده است. علاوه بر استثنایی که در ماده ۳ بیان شده، ماده ۹ این سند نیز که به پیشگیری از قاچاق انسان می‌پردازد، دولت‌ها را متعهد به به‌کارگیری اقداماتی برای کاهش آسیب‌پذیری زنان و کودکان، اصلاح قوانین و فراهم آوردن شرایط تحصیلی، فرهنگی و اجتماعی مناسب‌تر برای جلوگیری از ایجاد بستر قاچاق انسان می‌کند. با وجود ارزش این پروتکل در مقابله با قاچاق زنان و کودکان، انتقادهایی به آن وارد شده است؛ از جمله اینکه این پروتکل ماده‌ای را به افراد زیر ۱۸ سال اختصاص نداده و تنها بر مسئله آسیب‌پذیری کودکان اکتفا کرده و جزئیات نحوه حمایت از کودکان را برای دولت‌های عضو مشخص نکرده است؛ به همین دلیل برای حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه باید به این پروتکل در کنار دیگر اسناد بین‌المللی استناد کرد. یکی دیگر از انتقادهای وارد به این سند، تأکید بسیار آن بر حمایت از زنان و کودکان است که به‌طور معمول اذهان را به حمایت از قربانیان مؤنث هدایت می‌کند. این امر ممکن است سبب غفلت از مردان و پسرانی شود که قربانی قاچاق انسان هستند (Raidma, 2016: 15). در توضیح اهمیت توجه به این مسئله می‌توان گفت که مطابق آمار مرکز اتحادیه اروپا، بیشتر کودکان پناهجوی بدون همراه شناسایی شده که در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۴ به اروپا رسیده‌اند، پسر هستند (Eurostat Report on Asylum applicants considered to be unaccompanied minors, 2015).

پروتکل الحاقی علیه قاچاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا نیز فاقد ماده خاصی درباره حمایت از کودکان در معرض یا قربانی قاچاق انسان است. تنها در ماده ۱۶ با موضوع حمایت و یاری مهاجران قربانی قاچاق انسان، از دولت‌ها می‌خواهد برای اجرای این ماده نیازهای ویژه کودکان و زنان را در نظر بگیرند. همچنین با در نظر داشتن ماده ۱۹ این پروتکل در کنار اصل منع بازگرداندن اجباری پناهندگان^۱ که مطابق معاهدات و حقوق عرفی مورد تأیید است، می‌توان گفت که این ماده رعایت این اصل در خصوص کودکان پناهجوی قربانی قاچاق انسان را تضمین می‌کند.

۲.۲. بررسی کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان سند جامع حمایت از حقوق کودکان در ماده ۳۵ به‌صراحت از کودکان در مقابل قاچاق انسان حمایت کرده است. این ماده دول عضو را متعهد می‌کند تا اقدامات مناسبی را برای جلوگیری از ربودن، فروختن یا قاچاق کودکان با هر هدفی و در هر شکلی به‌کار گیرند. همان‌گونه که ذکر شد، در مفاد ۲۰ و ۲۲، حمایت از کودکان مهاجر و پناهنده تصریح شده است. بنابراین، اگرچه عبارت کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه به‌طور مشخص در کنوانسیون حقوق کودک ذکر نشده است، می‌توان از کنار هم قرار دادن مواد ۲۰، ۲۲ و ۳۵ این کنوانسیون^۱ چنین برداشت کرد که حمایت‌های خاصی برای کودکانی که از خانواده خود محروم‌اند یا به‌دنبال پناهندگی‌اند، در مقابل قاچاق انسان پیش‌بینی شده است. حتی اگر دولت‌ها بخواهند به‌دلیل اینکه کودکان بدون همراه اغلب با اراده خود و برای یافتن زندگی بهتر خانه و خانواده خود را ترک کرده‌اند، آنها از شمول حمایت ماده ۲۰ خارج کنند؛ این کودکان به‌طور مشخص تحت حمایت ماده ۲۲ به‌عنوان کودکانی که در جست‌وجوی پناهندگی‌اند، قرار می‌گیرند.

سند مهم دیگری که در خصوص حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه باید بررسی شود،

۱. ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «۱. کودک نباید به‌طور موقت یا دائم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مورد مساعدت قرار گیرد. ۲. کشورهای طرف کنوانسیون می‌بایست طبق قوانین ملی خود مراقبت‌های جایگزین دیگری را برای این‌گونه کودکان تضمین کنند. ۳. این‌گونه مراقبت‌ها شامل موارد زیادی می‌شود، از جمله تعیین سرپرست و کفیل در قوانین اسلامی، فرزندخواندگی یا در صورت لزوم اعزام کودک به مؤسسات مناسب مراقبت از کودکان باشد. به‌هنگام بررسی راه‌حل‌ها باید به استمرار مطلوب در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک توجه خاص شود.»

ماده ۲۲ شامل حق پناهندگی عبارت است از: «۱. کشورهای طرف کنوانسیون اقدام لازم را جهت تضمین برخورداری کودک که خواهان پناهندگی است و یا پناهنده تلقی می‌شود، چه همراه والدین خود باشد یا شخص دیگری، مطابق با قوانین و مقررات محلی و بین‌المللی، از حمایت‌ها و مساعدت‌های بشردوستانه لازم و از حقوق مربوطه که در این کنوانسیون یا سایر اسناد بشردوستانه یا حقوق بشر مقرر شده و کشورهای فوق‌الذکر نسبت به آنها متعهدند، به‌عمل خواهند آورد. ۲. بدین‌منظور، کشورهای طرف کنوانسیون بنا به صلاحدید خود با سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی ذی‌صلاح که با سازمان ملل کار می‌کنند، در جهت حمایت و مساعدت از این‌گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان پناهنده و برای کسب اطلاعات لازم برای به‌هم پیوستن مجدد اعضای خانواده همکاری خواهند کرد. در صورتی که موفق به یافتن والدین یا سایر اعضای خانواده نشوند، با کودک همان‌گونه که در این کنوانسیون اظهار شده، درست مانند کودکی که به‌طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی به هر دلیل محروم شده، رفتار خواهد شد.»

ماده ۳۵ در خصوص حمایت از کودکان در برابر قاچاق بیان می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات ضروری ملی، دو و چندجانبه را برای جلوگیری از ربوده شدن، فروش و یا قاچاق کودکان به هر شکل و به هر منظور به‌عمل خواهند آورد.»

پروتکل دوم اختیاری کنوانسیون حقوق کودک با عنوان «فروش کودکان، فحشای کودکان و پرونوگرافی کودکان» است که در سال ۲۰۰۰ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تدوین شد. این سند به طور مطلق درباره کودکان است و با تأیید و تأکید بر اهداف کنوانسیون حقوق کودک برای حمایت از کودکان در برابر هرگونه بهره‌کشی اقتصادی، کار اجباری و به‌ویژه بهره‌کشی جنسی به طور مشخص به حمایت از کودکان قربانی قاچاق انسان می‌پردازد. بنابراین، برای حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه که همواره در معرض خطر قاچاق انسان هستند، سند بین‌المللی بسیار شایان توجه است.

۳.۲. بررسی قوانین ایران در حمایت از کودک در برابر قاچاق انسان

«قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» که در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، علاوه بر آنکه ایراد هرگونه صدمه جسمی، روانی و اخلاقی به کودک را به موجب مواد ۱ و ۴ ممنوع دانسته، در ماده ۳ نیز خرید و فروش و بهره‌کشی از کودک را برای انجام اعمال خلاف، مستوجب مجازات کیفری برشمرده است. همچنین مطابق تبصره ۱ ماده ۳ «قانون مبارزه با قاچاق انسان» مصوب ۱۳۸۱ قاچاق افراد کمتر از هجده سال موجب اعمال حداکثر مجازات مندرج در این ماده می‌شود.

حق بر به‌هم پیوستن خانواده^۲ در خصوص کودکان پناهجو

توجه به زندگی کودک در خانواده به‌ویژه در وضعیت پناهندگی و مهاجرت که کودک در معرض مخاطرات متعدد روحی و جسمی قرار می‌گیرد، از ارکان مهم حمایت از حقوق این کودکان باشد. در این مجال کوتاه تلاش شده است تا در بحث اول به بررسی این امر در چارچوب حقوق بین‌الملل و معاهدات بین‌المللی پرداخته شود. با توجه به اقدامات مثبت اتحادیه اروپایی در خصوص توجه به‌ویژه به کودکان پناهجوی بدون همراه و رعایت حق به‌هم پیوستن خانواده، چارچوب حقوقی این موضوع در اروپا در بحث دوم بررسی می‌شود.

1. The Optional Protocol on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, A/RES/54/263 of 25 May 2000.

۲. عبارت «Family reunification» در متون فارسی حقوق پناهندگی به عبارتهای مختلفی از جمله «گردهم آوردن خانواده»، «اتحاد خانواده»، «وحدت خانواده» ترجمه شده است. اما با توجه به مصادیق رعایت این حق که در واقع تلاش برای پیوستن کودک به حداقل یکی از اعضای خانواده خود است که یا در مسیر مهاجرت غیرمعارف یا پناهندگی از آنها جدا شده یا از ابتدا بدون همراهی آنها وارد مسیر شده است، ترجمه به‌هم پیوستن خانواده توسط نویسندگان انتخاب شده است.

۱. بهره‌مندی کودکان پناهجوی بدون همراه از حق به‌هم پیوستن خانواده در

پرتو اسناد بین‌المللی

احترام به حق به‌هم پیوستن خانواده از مهم‌ترین نیازها و مبنای حفظ حقوق کودکان پناهجوست. مبنای این حق از معاهده چهارم ژنو ۱۹۴۹ درباره امکان گردآوری دوباره افراد پراکنده خانواده یعنی پیوند هر فرد به دیگری و امکان دیدار آنان، گرفته شده است (ابوالوفاء، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ ماده‌ای نمی‌توان یافت که به‌صراحت به بحث حق به‌هم پیوستن خانواده اشاره کند. اگرچه در بند ۳ ماده ۱۶ آن به تعهد دولت‌ها به حمایت از حق داشتن خانواده اشاره شده است. در ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی نیز همین مفهوم در عبارت دیگری تکرار شده است. بنابراین، در دو ماده مذکور تنها می‌توان به‌طور ضمنی حمایت از «به‌هم پیوستن خانواده» را استنباط کرد. چنانکه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تفسیر عام شماره ۱۹ در خصوص ماده ۲۳ میثاق بیان می‌کند: «دولت‌ها باید اقدامات قانونی و اجرایی را برای حمایت از خانواده به‌کار گیرند»؛ این کمیته همچنین اذعان می‌کند که «این اقدامات مناسب باید زمانی که اعضای آن به دلایل اقتصادی، سیاسی و غیره از هم جدا هستند، برای اطمینان از اتحاد و به‌هم پیوستن خانواده، صورت گیرد (Manca, 2018:5)».

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های متعددی به حقوق بشر مهاجران و نیز کودکان پناهجو و مهاجر بدون همراه اشاره کرده است. قطعنامه شماره ۳۶/۵ این شورا با عنوان «کودکان و نوجوانان مهاجر بدون همراه و حقوق بشر»^۳ که در سال ۲۰۱۷ تصویب شده است، در بردارنده توصیه‌های مشخصی درباره حمایت از حقوق بشر کودکان بدون همراه و جداشده از خانواده است. بند ۳ این قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد از فراهم بودن حمایت و خدمات مناسب و حساس به جنسیت^۴ برای همه کودکان بدون همراه و جداشده از خانواده تحت چارچوب حقوقی بین‌المللی و با اتخاذ اصل رعایت مصالح عالیۀ کودک، به‌منظور جلوگیری از بروز انواع آسیب و سوءاستفاده اطمینان حاصل کنند. اولویت‌دهی به کودکان برای بهره‌مندی از حق به‌هم پیوستن اعضای خانواده، خودداری از بازداشت کودکان به‌دلیل وضعیت مهاجرتی آنان، تطابق سیاست‌های مهاجرتی دولت‌ها با حقوق بین‌الملل بشر و در نظر گرفتن نیازهای خاص کودکان مهاجر بدون همراه جهت رفع قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز که از

1. The right to family reunification

۲. بند ۳ ماده ۱۶ اشعار می‌دارد: «خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به‌وسیله جامعه و حکومت نگاهداری شود.»

3. Human Rights Council resolution on Unaccompanied migrant children and adolescents and human rights, A/HRC/RES/36/5, 28 Sep 2017.

4. Gender - sensitive

دسترسی این کودکان به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و دیگر خدمات اجتماعی به‌عنوان یکی از الزامات ادغام اجتماعی کودکان، افزایش همکاری دولت‌ها برای حمایت از کودکان در برابر نقض‌های شدید حقوق بشر از جمله بهره‌کشی و قاچاق این کودکان از دیگر توصیه‌های این قطعنامه است که در بندهای ۵ تا ۹ ذکر شده است (UN Human Rights Council, 2017:4). کنوانسیون حقوق کودک حق به‌هم پیوستن اعضای خانواده را در بند ۱ ماده ۹، ماده ۱۰ و بند ۲ ماده ۲۲ مورد تأکید قرار داده است. طبق ماده ۹ کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌کنند که کودکان با وجود خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند. عدم اجرای این امر تنها در شرایطی که طبق بررسی مقامات ذی‌صلاح و قضایی برخلاف مصالح و منافع عالی‌کودک باشد، امکان دارد. در بند ۱ ماده ۱۰ نیز ضمن تأکید بر ماده مذکور، به‌صراحت بر حق به‌هم پیوستن خانواده تأکید شده است و این ماده بیان می‌دارد: «درخواست کودک یا والدین وی برای ورود یا ترک کشور برای به‌هم پیوستن مجدد خانواده، از سوی کشور طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهد شد». از بررسی مواد ۹ و ۱۰ کنوانسیون

۱. ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «۱. کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌نمایند که کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذی‌صلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است. این‌گونه تصمیمات ممکن است در موارد به‌خصوصی از قبیل سوء استفاده و یا بی‌توجهی والدین کودک و یا هنگام جدا شدن والدین از یکدیگر ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمی اتخاذ شود. ۲. در هریک از مراحل دادرسی مربوط به پاراگراف اول ماده ۹ باید به تمام طرف‌های ذی‌نفع فرصت داده شود در مراحل دادرسی شرکت کرده و نظرات خود را ابراز کنند. ۳. کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودکی را که از یک یا هر دو والدین جدا شده، مبنی بر حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین به‌طور منظم رعایت خواهند نمود، مگر در مواردی که این امر مغایر منافع کودک باشد.»

ماده ۱۰ با اشاره به حق به‌هم پیوستن خانواده بیان می‌دارد: «۱. مطابق با تعهدات کشورهای طرف کنوانسیون در پاراگراف ۱ ماده ۹، در خواست کودک یا والدین وی برای ورود یا ترک کشور برای به‌هم پیوستن مجدد خانواده، از سوی کشور طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهند شد. کشورهای طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهند شد. کشورهای طرف کنوانسیون هم‌چنین تضمین خواهند نمود که تسلیم این‌گونه درخواست‌ها عواقبی برای درخواست‌کننده و اعضای آنها در پی نخواهد داشت. ۲. کودکی که والدینش در کشورهای جداگانه زندگی می‌کنند حق دارد گذشته از شرایط استثنایی به‌طور منظم روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین خود داشته باشد. بدین‌منظور و مطابق با تعهدات مندرج در پاراگراف ۲ ماده ۹، کشورهای طرف کنوانسیون حق والدین و کودک برای ترک هر کشور من‌جمله کشور ملی خود و ورود به هر کشور دیگری را محترم خواهند شمرد. حق ترک هر کشوری فقط مشمول محدودیت‌هایی است که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت عمومی یا اخلاقیات یا حقوق آزادی‌های دیگران یا سایر حقوقی که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده‌اند، ضروری است.»

که به‌طور کلی دربارهٔ همهٔ کودکان است، در کنار مادهٔ ۲۲ این کنوانسیون که به حقوق کودکان پناهنده پرداخته است، می‌توان نتیجه گرفت کودکان پناهجوی بدون همراه تحت حمایت حقوق بین‌الملل برای استفاده از حق به‌هم پیوستن خانواده قرار می‌گیرند. هرچند با وجود شرایط خاص و آسیب‌پذیری کودکان که نیازمند سرعت و زمان‌بندی مناسب در اجرا این مفاد است، در عمل شاهدیم که به‌سبب تلاقی این تعهد با رویکرد محافظه‌کارانهٔ دولت‌ها در امور مهاجرتی و پناهندگی، اعلام تصمیم دولت‌ها برای پذیرش درخواست به‌هم پیوستن خانواده سال‌ها به طول می‌انجامد (Manca, 2018: 8-9). همان‌گونه که ذکر شد، تفسیر عام شمارهٔ ۶ کمیتهٔ حقوق کودک کنوانسیون با عنوان «رفتار با کودکان بدون همراه و جداشده خارج از کشور اصلی»، از کامل‌ترین اسناد بین‌المللی دربارهٔ این کودکان است که ضمن ارائهٔ تعریف دقیقی از کودکان بدون همراه و جداشده به جنبه‌های مختلف حقوق و نیازهای این کودکان پرداخته است. بندهای ۸۱ تا ۸۳ این تفسیر به الزامات رعایت حق به‌هم پیوستن خانواده در خصوص این کودکان با احترام به اصل منع بازگرداندن اجباری آنان به کشور اصلی که در آن در معرض خطرند، پرداخته است. به‌عبارت دیگر، دولت‌ها نباید برای اجرای تعهدات خود ذیل مادهٔ ۹ کنوانسیون حقوق کودک، کودکان را برای الحاق به خانواده به کشور اصلی یا مبدأ بازگردانند. از طرفی دولت‌های مبدأ نیز باید با احترام به مادهٔ ۱۰ مبنی بر حق ورود و خروج کودک یا والدین او از کشور برای پیوستن به دیگر اعضای خانواده ممانعتی ایجاد نکنند (UN Committee of the CRC, 2005: para. 81-83).

شایان ذکر است کنوانسیون دربارهٔ وضعیت پناهندگان در هیچ ماده‌ای به‌صراحت به حق به‌هم پیوستن خانواده اشاره نکرده است؛ اما کمیتهٔ اجرایی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در استنتاج شمارهٔ ۹ خود به‌طور مشخص به اهمیت حق به‌هم پیوستن خانواده تأکید کرده و نقش هماهنگ‌کنندهٔ کمیساریا جهت مداخلهٔ مناسب با همکاری دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی را برای به‌هم پیوستن اعضای خانواده‌های جداشده بیان می‌کند (ExCom Conclusion No.9, 1977: para.a-c). این کمیته همچنین در استنتاج شمارهٔ ۲۴ با عنوان «به‌هم پیوستن خانواده» مجدداً به شرح جزئیات اقدامات لازم برای یافتن اعضای خانوادهٔ افراد پرداخته است (ExCom Conclusion No.24, 1981: para.1-9). بند ۷ این استنتاج به‌طور مشخص به اهمیت تلاش برای یافتن اعضای خانوادهٔ کودکان پناهجوی بدون همراه به‌ویژه قبل از اقدام برای اسکان مجدد^۱ و اقدام برای فرزندخواندگی پرداخته است. اگرچه از سال ۱۹۸۱ این کمیته در این سند به دولت‌ها توصیه کرده که هنگام تصمیم‌گیری در خصوص به‌هم پیوستن خانواده، فقدان مدارک قانونی از جمله سند ازدواج والدین و مدارک

اثبات نسب کودکان نباید به‌عنوان مانعی برای به‌هم پیوستن خانواده‌ها باشد، براساس گزارش‌های کمیساریا اثبات رابطه خانوادگی هنوز از مهم‌ترین موانع به‌هم پیوستن خانواده‌هاست (Manca, 2018: 14).

۲. بهره‌مندی کودکان پناهجوی بدون همراه از حق به‌هم پیوستن خانواده در پرتو اسناد منطقه‌ای اروپا

در بحران پناهندگی اروپایی، کودکان پناهجوی بدون همراه تعداد بسیار زیادی از پناهجویان را تشکیل دادند. در سال ۲۰۱۵ که اوج بحران پناهندگی اروپایی بود، درخواست پناهندگی ۹۵/۲۰۰ کودک بدون همراه با اکثریت ملیت افغانستانی در اتحادیه ثبت شد. با وجود کاهش تعداد این کودکان که به‌دنبال دریافت حمایت‌های بین‌المللی بودند، در سال‌های بعد - در سال ۲۰۱۶ حدود ۶۳ هزار و در سال ۲۰۱۷ نصف این تعداد بالغ بر ۳۱/۴۰۰ درخواست پناهندگی این گروه از کودکان ثبت شد^۱ - آمار بالای تعداد این کودکان نشان می‌دهد، این مسئله نیازمند توجه به ابعاد مختلف آن و حمایت از این کودکان است (Eurostat news release on asylum applicants in 2017, 2018: 1). از مهم‌ترین حمایت‌هایی که از این کودکان به‌عمل می‌آید، تلاش برای پیوستن آنها به اعضای خانواده‌شان است که معمولاً به‌عنوان یکی از دلایل اصلی حرکت آنها در مطالعات و مصاحبه‌های مختلف ذکر شده است (The European Migration Network, 2015: 6). کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲، به‌صراحت به حق به‌هم پیوستن خانواده نپرداخته است. اما خوشبختانه رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد حق به‌هم پیوستن خانواده تحت قلمرو ماده ۸ این کنوانسیون با عنوان «حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی»^۳ قرار می‌گیرد (The European Migration Network, 2015: 2).

۱. این تعداد بیش از ۹۰ درصد کل تعداد کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه در جهان است که در گزارش سالانه کمیساریا در سال ۲۰۱۷ اعلام شده است.

2. European Convention on Human Rights (ECHR)

۳. ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با عنوان «Right to respect for private and family life» همه افراد را دارای «حق بر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی» شناخته است. مطابق این حق هیچ مقامی نباید مخل زندگی خانوادگی افراد شود، مگر در مواردی که امنیت ملی، امنیت و اقتصاد عمومی، مصلحت کشور و دیگر موارد احصاشده در این ماده وجود داشته باشد. در خصوص افراد پناهنده به‌ویژه کودکان رعایت «حق بر به‌هم پیوستن اعضای خانواده» از الزامات بهره‌مندی از زندگی خانوادگی است، زیرا این افراد امکان برپایی زندگی خانوادگی در کشور مبدأ یا کشورهای دیگر را ندارند. به‌عبارت دیگر، حق مطرح‌شده در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عام و حق بر به‌هم پیوستن اعضای خانواده در خصوص افراد پناهنده و اعضای خانواده آنها خاص و تحت قلمرو این ماده قرار می‌گیرد.

۲.۱. مروری بر مهم‌ترین اسناد اتحادیه اروپا درباره حق به هم پیوستن خانواده

از مهم‌ترین اسناد درباره حمایت از این حق کودکان «دستورالعمل شورای اتحادیه اروپا درباره حق به هم پیوستن خانواده» است که در سال ۲۰۰۳ تصویب شد.^۱ در این دستورالعمل فرایندهای بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص به هم پیوستن اعضای خانواده با ملیت غیراروپایی با جزئیات بیشتر و دقیق‌تری مطرح شده است. برای نمونه ضمن ارائه تعریف دقیقی از به هم پیوستن خانواده، کودک بدون همراه، و اعضای خانواده در مواد ۱ و ۴ این سند، در مواد بعدی به صورت دقیق و جزئی مدارک لازم برای ارائه چنین درخواستی و همچنین فرایندهای زمان‌بندی بررسی این درخواست توسط مقامات دولتی بیان شده است. فصل ۵ این دستورالعمل (مواد ۹ تا ۱۲) به طور کامل در خصوص به هم پیوستن خانواده پناهندگان است. بند ۳ ماده ۱۰ این سند بیان‌کننده اعمال استثنائاتی در خصوص صدور اجازه ورود کودک بدون همراه به اتحادیه برای پیوستن به اعضای خانواده‌اش است. طبق ماده ۱۱ در صورت فقدان مدارک اثبات رابطه خانوادگی، تصمیم‌گیری باید براساس دیگر شواهد و قرائن صورت گیرد و صرفاً به دلیل فقدان مدارک درخواست رد نشود. بند ۲ ماده ۱۲ نیز در حمایت از به هم پیوستن خانواده‌های پناهنده، فرد پناهنده را از شرط حداقل زمان اقامت قانونی فرد / افراد خانواده که در ماده ۸ دو سال بیان شده بود، معاف می‌کند.

۲.۲. بررسی به هم پیوستن خانواده در آیین‌نامه دبلین III اتحادیه اروپایی

آیین‌نامه دبلین III^۲ را می‌بایست به عنوان یکی از جدیدترین اسناد اتحادیه اروپا در زمینه پناهندگی که دارای نکات بسیار مهمی است، بررسی کرد. آیین‌نامه دبلین III در مفاد مختلفی اقدام به هنجارسازی در خصوص حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه و جدا شده از خانواده کرده است که رعایت حق به هم پیوستن خانواده را می‌توان نقطه مشترک کلیه این مقررات دانست. یکی دیگر از ویژگی‌های این آیین‌نامه، توجه به مصالح عالییه کودک حتی در صورت تقابل با چارچوب کلی مقررات دبلین است. به طور کلی، ملاک مقررات دبلین برای تعیین کشور مسئول رسیدگی به درخواست پناهجویان، اولین کشوری است که پناهجو از آن به اتحادیه اروپا وارد شده است. اما ماده ۸ این آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «اگر پناهجو کودک جدا شده و بدون همراه باشد، کشور مسئول بررسی کشوری خواهد بود که یکی از والدین یا خواهر و برادر کودک در آن به صورت قانونی ساکن است. حتی اگر کودکی باشد که ازدواج کرده و همسر

1. Council Directive on the Right To Family Reunification - 2003/86/EC - 22 September 2003.

2. Regulation (EU) No 604/2013 Of The European Parliament And Of The Council - 26 June 2013 - establishing the criteria and mechanisms for determining the Member State responsible for examining an application for international protection lodged in one of the Member States by a third-country national or a stateless person (recast) [Dublin III].

او به صورت قانونی در هیچیک از کشورهای عضو اتحادیه اقامت ندارد، کشور مسئول بررسی درخواست پناهندگی او کشوری است که یکی از والدین، خواهر و برادر یا بزرگسالی که مسئول او است به صورت قانونی در آن کشور حضور دارد». این امر از نظر حمایت کودک و اسکان وی در نزدیکی آن فرد طی مدت رسیدگی به درخواست پناهندگی اش، بسیار حائز اهمیت است. اگر بیش از یک نفر از خانواده یا بستگان کودک در کشورهای مختلف اتحادیه زندگی کنند، دولت مسئول، پس از بررسی رعایت مصالح عالیۀ کودک بدون همراه انتخاب خواهد شد (Dublin III regulation, 2013: Article 8).

ماده ۶ این سند تعهداتی را تحت عنوان تضمینات کودکان بیان می کند. بند ۱ این ماده اشعار می دارد، رعایت مصالح عالیۀ کودک باید اولین ملاحظه ای باشد که دولت ها در اجرای کلیۀ مفاد این قانون رعایت می کنند. مطابق بند ۳ این ماده، کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای شناسایی و رعایت مصالح عالیۀ کودک موظف به همکاری با یکدیگرند، به ویژه درباره مسائلی از جمله شناسایی هرچه سریع تر اعضای خانواده برای به هم پیوستن خانواده، تندرستی کودک و رشد اجتماعی او، ملاحظات امنیتی درباره کودک به خصوص زمانی که خطر قربانی قاچاق انسان شدن برای کودک وجود دارد، نظرهای کودک با در نظر گرفتن سن و بلوغ او (Dublin III regulation, 2013: Article 6).

طبق بندهای ۱۶ و ۱۷ مقدمۀ این آیین نامه برای حصول اطمینان از احترام و رعایت کامل حق به هم پیوستن خانواده و حفظ منافع کودکان جدا شده و بدون همراه، در صورت احراز هرگونه وابستگی و رابطه فرزندی، خواهر و برادری نسبت به یک کودک، یک «قاعده تعهد به مسئولیت» ایجاد می شود، به شرطی که این به هم پیوستن به ضرر منافع کودک نباشد (Dublin III regulation, 2013: para.16-17).

با وجود تعداد زیاد کودکان پناهجوی بدون همراه در اتحادیه اروپا، تعداد کودکانی که تحت حمایت مقررات دوبلین موفق به استفاده از حق به هم پیوستن خانواده شده اند، در سرتاسر اروپا به طور دقیق مشخص نیست، زیرا بسیاری از این درخواست ها تحت بررسی در دادگاه های کشورهای اروپایی است. برای نمونه می توان از کشور یونان نام برد که در نیمۀ اول سال ۲۰۱۷ تنها ۶۲۵ درخواست به هم پیوستن خانواده در این کشور ثبت شده است (UNHCR, UNICEF, and IOM factsheet on Refugee and Migrant Children in Europe, 2017: 6).

۳. حق به هم پیوستن خانواده در قوانین ایران

اگرچه ایران از بزرگ ترین کشورهای میزبان پناهندگان در جهان طی چهار دهۀ گذشته بوده

1. Binding responsibility criterion.

است، به‌طور کل می‌توان گفت از نظر توسعه قوانین و مقررات به‌منظور ساماندهی امور پناهجویان و پناهندگان عملکرد بسیار منفعلانه‌ای داشته و در این حوزه با نواقص و خلأهای جدی روبه‌روست. بنابراین، در زمینه توجه به حقوق کودکان پناهجوی جدانشده و بدون همراه از جمله حق به‌هم پیوستن اعضای خانواده نیز قوانین مشخص و دقیقی وجود ندارد.

«آیین‌نامه پناهندگان» مصوب ۱۳۴۲ هجری ماده‌ای در خصوص کودک پناهنده ندارد. بنابراین برای بررسی حقوق کودک پناهجوی بدون همراه باید به قوانین دیگر مراجعه کرد. از آنجا که حق به‌هم پیوستن خانواده در هیچ‌یک از قوانین داخلی مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است، می‌توان گفت نهاد حضانت و ملاقات با والدین و اعضای خانواده نزدیک‌ترین مباحث به این حق است. مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی ایران به موضوع نگاهداری و تربیت اطفال پرداخته است. به‌نظر می‌رسد به علل متعددی از جمله عدم پیش‌بینی موضوع حضانت کودک بعد از بلوغ، عدم تعیین تکلیف حضانت کودک بعد از فوت والدین، شناسایی حق ملاقات برای والدین و نه برای کودک، محدودیت نهاد ملاقات به سن بلوغ، عدم تضمین ارتباط و ملاقات کودک با اعضای خانواده غیر از والدین (خواهر و برادر) و افراد نزدیک، بی‌توجهی به تمایلات و منافع کودک در ملاقات با والدین و اقارب، این مواد از جهت تأمین حق کودک برای بودن در کنار والدین و اعضای خانواده ناقص‌اند (سادات اسدی، ۱۳۸۸: ۲۸).

علاوه بر آن، در مواد ۷، ۲۹، ۴۱ و ۵۴ «قانون حمایت از خانواده» مصوب ۱۳۵۳ به بحث ملاقات با والدین و افراد ذی‌حق اشاره شده، هرچند در این قانون تعریفی از افراد ذی‌حق برای ملاقات با کودک ارائه نشده است. در تبصره ۲ ماده ۵ «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست» مصوب ۱۳۹۲ نیز به در نظر گرفتن استثنائات شرایط این قانون برای بستگان کودک که درخواست سرپرستی وی را داشته باشند، اشاره شده است که تا حدی نزدیک به موضوع به‌هم پیوستن کودک با اعضای خانواده است که به‌نوعی برای بستگان کودک اولویت قائل شده است. بنابراین می‌توان گفت نه‌تنها در قوانین و مقررات داخلی به‌طور مشخص به حقوق کودکان پناهنده پرداخته نشده است، بلکه قوانین مذکور نیز در تأمین کامل حق به‌هم پیوستن اعضای خانواده کودک و حق کودک بر زندگی با والدین ناکافی و دارای ابهامات بسیاری هستند.

شایان ذکر است ایران از سال ۱۳۵۵ با تصویب «قانون کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل آن» به عضویت این کنوانسیون درآمد. همچنین از سال ۱۳۷۲ با تصویب کنوانسیون حقوق کودک در مجلس شورای اسلامی و با در نظر گرفتن یک حق شرط کلی به این معاهده ملحق شده است و مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران، این کنوانسیون‌ها در حکم قانون است. بنابراین، شایسته است که قوانین و مقررات داخلی در راستای اجرای مفاد این دو کنوانسیون و تأمین حقوق کودکان پناهجو و پناهنده از جمله رعایت حق به‌هم پیوستن اعضای خانواده اصلاح شود.

نتیجه گیری

در سال‌های اخیر کودکان نیمی از جمعیت پناهجویان و مهاجران اجباری را در جهان تشکیل داده‌اند. مطالعات این پژوهش مؤید این نکته است که بسیاری از این کودکان تنها و بدون همراهی اعضای خانواده خود، به دلایلی از جمله فقدان امنیت و پیامدهای مخاصمات مسلحانه یا رنج ناشی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به زندگی و آینده بهتر در مسیر پرمخاطره پناهندگی و مهاجرت گام می‌نهند. این کودکان به دلیل ناتوانی و وابستگی به بزرگسالان برای تأمین امنیت و نیازهای جسمی و روانی خود، همراه شدن با قاچاق‌برها و بازداشت یا اقامت در کنار بزرگسالان در معرض سوء استفاده و خشونت، حتی ربوده شدن توسط باندهای تبه‌کار و قاچاق انسان به منظور کار اجباری و بهره‌کشی جنسی‌اند. بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد در هیچ‌یک از اسناد الزام‌آور بین‌المللی نمی‌توان تعریفی از کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه یافت. بنابراین تعریف ارائه شده در تفسیر عام شماره ۶ کمیته حقوق کودک مورخ ۲۰۰۵، ملاک این پژوهش قرار گرفته است. با وجود آسیب‌پذیری و نیاز به حمایت ویژه کودکان، کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان فاقد حتی یک ماده خاص درباره حقوق کودکان پناهجوست. اگرچه این خلأ تا حدی در مواد ۲۰ و ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک جبران شده، در این سند مقبول بین‌المللی نیز تعریف دقیقی از کودکان پناهجوی بدون همراه ارائه نشده است. از نتایج این مطالعه می‌توان به چالش‌های مهم حمایت از کودکان پناهجو که در سن رشد و در شرایط نامناسب به سر می‌برند، اشاره کرد؛ از جمله تأمین حقوقی مانند حق بر بهداشت جسم و روان و حفظ حیات، حق بر آموزش و حق مراقبت در مقابل انواع خشونت. از این رو به منظور تحقق اهداف مندرج در کنوانسیون حقوق کودک برای رعایت مصالح عالیة کودک، دولت‌ها متعهد به تأمین این حقوق بدون تبعیض و توجه به وضعیت پناهندگی یا مهاجرت کودکان هستند. همچنین از مهم‌ترین الزامات رعایت مصالح عالیة کودک، فراهم آوردن امکان پیوستن وی به اعضای خانواده و بستگان است. لیکن نحوه بیان و تأکید کنوانسیون حقوق کودک بر تسهیل امکان این امر، به گونه‌ای است که الزام قانونی و مصرحی برای دولت‌ها وجود ندارد و تصمیم‌گیری نهایی براساس رویه و سیاست دولت‌ها خواهد بود. علاوه بر این، پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو با موضوع مقابله با قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان، تا حدی آسیب‌پذیری و نیاز به حمایت خاص از کودکان در مقابل قاچاق انسان را مورد توجه قرار داده است؛ اما فقدان اختصاص مواد خاص به کودکان در این پروتکل و همچنین پروتکل دیگر کنوانسیون پالمو با موضوع مقابله با قاچاق مهاجران، خلأ دیگری در این حوزه در نظام حقوق بین‌الملل است. این امر، فرضیه نیاز به تدوین معاهده‌ای خاص برای حمایت از کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه را تقویت می‌کند.

با توجه به اینکه مهم‌ترین مقصد کودکان پناهجوی بدون همراه در سال‌های اخیر کشورهای عضو اتحادیه اروپاست، این پژوهش نشان می‌دهد رویه مثبتی در این اتحادیه در خصوص هنجارسازی با جزئیات دقیق‌تر و کامل‌تر برای حمایت از کودکان به‌ویژه با توجه به حق به‌هم پیوستن خانواده ایجاد شده است. این نکته بسیار حائز اهمیت در دستورالعمل شورای اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۳ با موضوع حق به‌هم پیوستن خانواده و آیین‌نامهٔ دوبلین III در سال ۲۰۱۳ تبیین شده است.

در پایان باید اذعان کرد، اگرچه حقوق بین‌الملل و حقوق پناهندگی اروپایی چارچوبی کلی اما نه‌چندان دقیق و کارآمد را برای حمایت از کودکان پناهجوی جداشده و بدون همراه فراهم کرده است، وجود چالش‌های اجرایی حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه در تضمین حقوقی که مبنای رشد جسمی و روانی آنان است، همچنین محافظت از آنان در برابر خطر قاچاق انسان ضرورت توسعه و تدوین معاهدهٔ بین‌المللی جامع و مستقل را در این خصوص که دربردارندهٔ همهٔ ابعاد حقوقی و اجرایی مورد نیاز برای حمایت کامل متناسب با مصالح عالیهٔ کودکان باشد، ایجاب می‌کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ابوالوفا، احمد (۱۳۸۹)، *حق پناهندگی از نظر شریعت اسلام و حقوق بین‌الملل*، ترجمهٔ علی‌اکبر سیبویه، تهران: کتاب‌سرا.

ب) مقالات

۲. احمدی‌نژاد، مریم؛ امین‌الرعا، یاسر؛ گنج‌بخش، محمود (۱۳۹۵)، «برده‌داری سنتی و مدرن در حقوق بین‌الملل و اندیشهٔ اسلامی؛ با نگاهی به وضعیت زنان و کودکان»، *مجلهٔ حقوق تطبیقی*، دورهٔ ۷، ش ۱، ص ۵۲-۲۳.
۳. انصاری، باقر (۱۳۹۲)، «حق کودک به آموزش در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، *حقوق اسلامی*، دورهٔ ۱۰، ش ۳۶، ص ۱۴۵-۱۱۵.
۴. سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۸)، «حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان»، *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، دورهٔ ۱۴، ش ۵۱، ص ۳۱-۵.
۵. مصفا، نسرين؛ مختارزاده، سعیده (۱۳۹۵)، «حمایت حقوقی از زنان پناهنده و قربانی آثار

تغییرات اقلیم در آفریقا»، حقوق بشر، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۲۱-۴۴.
۶. نگهی مخلص آبادی، مرجان (۱۳۹۱)، «جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان و تأثیر آن بر سیاست جنایی تقنینی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، ش ۹، ص ۱۲۴ - ۸۷.

ج) پایان نامه

۷. مختارزاده، سعیده (۱۳۹۴)، «نظام اروپایی حمایت از پناهندگان با تأکید بر وضعیت پناهندگان زن و کودک»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر مهریار داشاب، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران شمال).

۲. انگلیسی

A) Books

1. Abou- El-Wafa, Ahmed, (2010), *The Right to Asylum between Islamic Shari'ah and International Refugee Law: A Comparative Study*, Translated: Sibouye, Ali, Tehran, Ketabsara Publication (In Persian).

B) Articles

2. Ahmadinejad, Maryam & Aminroaya, Yaser & GanjBakhsh, Mahmoud, (2016), "Tradition and Modern Slavery in International Law and Islamic Opinion with Regard to the Condition of Women and Children", *Comparative Law Review*, Volume 7, Issue 1 Winter and Spring, Pages 23-52 (In Persian).
3. Ansari, Bagher (2013), "Disclosure Right and It's Infringement Child's Right to Education in The International Human Rights", *Islamic Law Journal*, Volume 10 Issue 36, Pages 115-146 (In Persian).
4. Digidiki, Vasileia & Bhabha, Jacqueline (2017), "Emergency within an Emergency, the Growing Epidemic of Sexual Exploitation and Abuse of Migrant Children in Greece", *FXB Center for Health and Human Rights*, Harvard University.
5. Jahangiri K, et al. (2017), "Mental Health Challenges in Immigrant and Refugee Children and Adolescents: A Systematic Review", *Emergency and Disaster Quarterly*, Volume 3, Number 1, p.p 3-10.
6. Manca, di Luigino (2018), "Family Reunification in International Law: The Current United Nations Legal Framework and the Practice of Human Rights Bodies", *Anticipazioni al*, Number. 2, p.p 1-23.
7. Mokhtarzade, Saecede (2015), "The European Legal System for Protecting Refugees with Concentrating on Women and Children", Master degree thesis, Supervised by Dr. Mehryar Dashab, Islamic Azad University (Tehran North Branch) (In Persian).

8. Mosaffa, Nasrin & Mokhtarzade, Saeedeh (2016), "An Investigation on Legal Protection for Women Victims of Climate Change; Studying African Regional Documents", *The Journal of Human Rights*, Volume 11, Issue 1, Serial Number 21, Pages 21-44 (In Persian).
9. Negahi, Marjan (2013), "Globalization of Combat Against Human Trafficking and its Effect on Legislative Criminal Policy of Iran", *Strategic Studies of Public Policy Journal*, Volume 3, Issue 9, Serial Number 9, Pages 87-124 (In Persian).
10. Sadat Asadi, Leila (2009), "The Right of the Child to Live with Parents or Family", *Family and Law Jurisprudence Journal*, Volume 14, Issue 51, Pages 5-31 (In Persian).
11. Raidma, Grete (2016), "To What Extent Does International and European Law Protect Unaccompanied Minor Migrants from Human Trafficking in The European Union?" Master degree thesis, Leiden University.

C) Working papers and documents

12. Eurostat report (2018), Asylum applicants considered to be unaccompanied minors, (84/2018, 16 May 2018).
13. The European Migration Network Synthesis Report (2015), Policies, practices and data on unaccompanied minors in the EU Member States and Norway.
14. UNHCR, UNICEF and IOM factsheet report (2017), Overview on Refugee and Migrant Children in Europe.
15. UNHCR Global Trends (2017), Forced Displacement in 2017.
16. UNHCR third annual education report (2017), Turn the Tide: Refugee Education in Crisis.
17. UNHCR Guidelines (2008), Determining the Best Interests of the Child.
18. UNHCR Guidelines (2002), Gender-Related Persecution.
19. UNHCR Handbook (2008), Protection of Women and Girls.
20. UNODC Toolkit (2003), To combat Trafficking in Person.

D) International Treaties and Other Instruments

21. Convention relating to the Status of Refugees, July 28, 1951.
22. Convention Relating to the Status of Stateless Persons, September 28, 1954.
23. Council Directive on the Right to Family Reunification - 2003/86/EC - 22 September 2003.
24. European Convention on Human Rights (ECHR), November 4, 1950.
25. Human Rights Council resolution on Unaccompanied migrant children and adolescents and human rights, A/HRC/RES/36/5, 28 Sep 2017.
26. Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, December 12, 2000.
27. Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, December 12, 2000.
28. Regulation (EU) No 604/2013 Of The European Parliament And Of The Council - 26 June 2013 - establishing the criteria and mechanisms for determining the

Member State responsible for examining an application for international protection lodged in one of the Member States by a third-country national or a stateless person (recast) [Dublin III].

29. The United Nations Convention on the Rights of the Child, November 20, 1989.
30. The United Nations Convention against Transnational Organized Crime, November 15, 2000.
31. The Optional Protocol on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, A/RES/54/263 of 25 May 2000.
32. UN Committee of the CRC published General Comment No. 6 on "the Treatment of Unaccompanied and Separated Children outside Their Country of Origin", CRC/GC/2005/6, 1 Sep 2005.
33. UNHCR Executive Committee (ExCom), Conclusion on Family Reunion, No. 9 (XXVIII) -1977.
34. UNHCR Executive Committee (ExCom), Conclusion on Family Reunion, No. 24 (XXXII) -1981.
35. The European Parliament and The Council Directive on standards for the qualification of third-country nationals or stateless persons as beneficiaries of international protection, for a uniform status for refugees or for persons eligible for subsidiary protection, and for the content of the protection granted (Recast) of 13 December 2011, Directive 2011/95/EU.

E) Websites

36. <https://www.iom.int/key-migration-terms> (International Organization for Migration Website)
37. http://appsso.eurostat.ec.europa.eu/nui/show.do?dataset=migr_asyunaa&lang=en (European Statistic Database Website)
38. <https://ec.europa.eu/eurostat/> (European Commission, EU Statistic Website)
39. <https://www.unhcr.org/figures-at-a-glance.html> (The UN Refugee Agency)
40. <https://www.unhcr.org/globaltrends2017/> (Forced Displacement in 2017)